

فانتزی خوراک

ریوارسیویلی

ترجمه‌ی سامان سلیمانی



نشر دات

فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۳	مقدمه‌ی نویسنده بر چاپ فارسی
۱۵	درآمد
۲۴	غذای عاشقانه
۳۳	غذای شاعرانه
۴۴	غذای دوستانه
۵۵	سالاد حکمت
۶۴	غذای مادرانه
۷۲	از غذای زن به غذای زنانه!
۸۱	غذای نابینا
۹۲	غذای پیشمرگه
۱۰۳	خوراک پناهندگان
۱۱۵	خوراک راهنما
۱۲۴	خوراک کودکانه
۱۳۳	خوراک پیرانه: ۱۳۳ به سوی احیای آبگوشت مرغ
۱۴۴	باهم غذاخوردن
۱۵۵	غذای خداحافظی

برایم کوزه‌ای پنیر بفرست تا بتوانم ضیافتی برای خود برپا کنم!

ایکور

یادداشت مترجم

شهریور سال ۹۲ به مناسبت درگذشت شاعر نامی کُرد شیرکو بیکه‌س، پرونده‌ای در روزنامه‌ی شرق منتشر کردم و در مطلبی تحت عنوان «آغازی برای دیالوگ فرهنگی این سو و آن سو»، بر این نکته تأکید کردم که لازم است جنبشی برای ایجاد گفت‌وگو و تعامل فرهنگی میان اقوام ایرانی شکل گیرد و اقوام مختلف ایران‌زمین با آثار فرهنگی یکدیگر بیش از پیش آشنا شوند. متأسفانه کارهایی که در حوزه‌ی کردی صورت گرفته، هم اندک بوده و هم از نظر موضوعی محدود؛ محدود از آن جهت که بیش‌تر معطوف به حوزه‌ی ادبیات و ترجمه‌ی شعر و رمان به زبان فارسی یا بالعکس بوده و کارهای صورت گرفته نیز هم از لحاظ کیفی و هم کمی متأسفانه اندک و کم‌شمار و صرفاً محدود به تعدادی از ادبا بوده است، و تازه از این تعداد محدود هم آثار انگشت‌شماری منتشر شده. البته در اهمیت آن شکی نیست، اما بر این باورم که تلاش‌هایی از این دست باید از عرصه‌ی ادبیات فراتر رود و حوزه‌های تاریخ و اندیشه را نیز در برگیرد. انتخاب آثار ریووار سیویلی و ترجمه‌ی آن‌ها به زبان فارسی در راستای چنین هدفی است. اما کتاب پیش روی: *فانتزی خوراک*.

فانتزی خوراک در نگاه اول کتابی است درباره‌ی غذاها؛ اما در واقع فراتر از داستان غذاهاست. *فانتزی خوراک* روایت‌کننده‌ی روابط انسانی از دریچه‌ی غذاست و با زبانی ساده و فراگیر، ما را به تأمل در نوع غذا خوردن، روابط انسانی و سبک زندگی وامی‌دارد. تأملی که شاید به علت جذابیت موضوع یعنی غذا خوردن، اهمیتی دوچندان می‌یابد و موجب می‌شود نگاهی نو به مقوله‌ی غذا خوردن بیندازیم. این کتاب می‌تواند عنوانی فرعی همچون «نگاهی انتقادی به سبک زندگی» داشته باشد؛ نگاهی انتقادی به آنچه به

علت تغییرات روزافزون و سریع دنیای جدید نادیده گرفته شده و جا دارد مورد بازبینی قرار گیرد. و اما نویسنده کتاب: ریووار سیویلی.

ریووار سیویلی، استاد فلسفه است و به شکلی آکادمیک در این حوزه فعالیت دارد. فلسفه را در دانمارک آموخته و سالها زندگی در آن کشور و فضای متفاوت مغرب‌زمین موجب شده نگاهی متفاوت به زندگی روزمره داشته باشد. همچنین به‌خوبی با جامعه‌شناسی و مفاهیم آن آشناست. از طرفی ادیب موفقی است که در حوزه‌ی شعر و داستان آثار قابل توجهی دارد. این سه ویژگی خمیرمایه‌ی اصلی آثار ریووار است. آشنایی ریووار با فلسفه، زندگی در غرب و تسلط وی بر ادبیات و فرهنگ کردی در مقام بخشی از فرهنگ مشرق‌زمین، او را واجد این شایستگی کرده که بتواند با نگاهی انتقادی و عمیق و به دور از شعارزدگی به نقد سبک زندگی امروزی بپردازد.

ریووار انسانی دوست‌داشتنی و بذله‌گو است که به مسائل اطرافش با دیدی عمیق و متفاوت می‌نگرد، و با زبان طنز و نکته‌بین خود مسائلی را به هم مرتبط می‌کند که گاه در وهله‌ی اول خواننده را شگفت‌زده می‌کند اما در نهایت با پیوندی زیرکانه و هوشیارانه، مفهوم موردنظر خود را بیان می‌کند و خواننده را به تأمل وامی‌دارد.

و اما خود من، از زمان کودکی تا سال‌های پایان دبیرستان در غذاخوردن بسیار بهانه‌گیر بودم. به قول معروف بچه‌ی بدغذایی بودم! بعدها در دوران دانشجویی، از آن طرف بام افتادم: هر غذایی را می‌خوردم فقط به قصد سیر شدن. اما با شروع زندگی مستقل و تنها زیستن، نگاهم هم‌زمان به زندگی و غذا تغییر کرد. متوجه این نکته شدم که انسان سالم انسانی است که آشپز خوبی هم باشد. مدت‌ها آشپزخوب بودن، برایم اینطور تعریف می‌شد که غذاهای پیش‌تر آزموده‌شده را به‌خوبی درست کنم. اما در گذر زمان، آزمون و تجربه‌ی غذای مادرانه با غذای زنانه، غذای عاشقانه، غذای دوستانه، غذای تنهایی و غذای حکیمانه تلفیق شد تا جایی که امروز گهگاه غذاهایی درست می‌کنم که در هیچ کتاب و منبع آشپزی، اسمی از آن برده نشده است. در واقع سال‌ها بود که نگاهم به آشپزی با فانتزی‌های شخصی‌ام درهم

آمیخته بود. با مطالعه‌ی کتاب ریووار متوجه این نکته شدم که تقویت این نگاه و تسری آن به بخش‌های مختلف زندگی تا چه اندازه می‌تواند ما را از یک‌نواختی دور کند. نگاه فانتزیک به زندگی یعنی عاشقانه زیستن، عاشقانه نگریستن و عاشقانه رفتارکردن و شاید از همه مهم‌تر خلاقانه غذا پختن... هر آنچه در طبیعت پیرامون ما وجود دارد می‌تواند رنگ و بویی از عشق و خیال خلاقانه به ما هدیه کند.

فانتزی خوراک را هم‌زمان با کتاب *خنده و فلسفه* از همین نویسنده ترجمه کردم و در حال حاضر مشغول ترجمه کتاب دیگری از ریووار هستم در حوزه‌ی جامعه‌شناسی احساسات. امیدوارم نگاه و قلم این نویسنده، علاقه و توجه مخاطب ایرانی را به خود جلب کند.

لازم می‌بینم از دوستانی که در ترجمه‌ی این اثر یاری‌ام دادند تشکر کنم. دوست خوبم محمدصدیق سرداری که نسخه‌ی اولیه‌ی اثر را مطالعه و ویرایش کردند، دوست گرانقدرم دکتر امید ورزنده که زحمت ترجمه‌ی اشعار کردی کتاب بر عهده‌ی ایشان بود و با مطالعه‌ی کتاب نکات مهمی را متذکر شدند و دوست ارجمندم سرکار خانم فرشته حبیبی که با نگاه تیزبین و دقیق خود نسخه‌ی نهایی کتاب را مطالعه کردند و با تذکر برخی نکات به بهترشدن نتیجه‌ی نهایی اثر کمک شایانی رساندند و مدیر محترم نشر دات که حضورش همواره انرژی‌بخش و یاری‌دهنده بوده است.

و در پایان، امیدوارم ترجمه‌ی این کتاب، ادامه‌ی مسیری باشد که با هدف آشنایی و شناختی نو از فرهنگ کردها آغاز شده و دیالوگ فرهنگی میان این سو و آن سو را بیش از پیش تقویت کند.

تهران بهمن‌ماه ۱۳۹۴